آیا فرش ایران از فرش ترکیه نامرغوبتر است؟

مجلهء دی دولت شمارهء 3 مه 1995 آمار واردات فرش‏ دستباف آلمان را در نه ماههء اول سال مسیحی 1974 چاپ‏ کرده است.

براساس آمار مذکور(که در مجلهء فرش دستباف ایران‏ شمارهء 2 تابستان 74 نیز چاپ شده است)،ایران با صدور 2215833 متر مربع فرش به ارزش 426375000 مارک‏ از نظر ارزش مقام اول را در میان همهء کشورهای‏ صادرکنندهء فرش دستباف به آلمان دارد.این بجای خود جای خوشوقتی است.خوشبختانه سالیان متمادی است که‏ ایران صاحب این مقام است و به رغم رقابتهای تنگاتنگ‏ توانسته است آن را حفظ کند.برای آنکه مقام فرش ایران‏ در آلمان نشان داده شود کافی است براساس همان آمار اشاره کنیم که 3/23 درصد از کل متراژ فرش دستباف وارده‏ به آلمان در 9 ماه اول سال مسیحی گذشته مربوط به ایران‏ بوده و از نظر ارزش نیز 40 درصد کل واردات فرش دستباف‏ آلمان را در اختیار داشته است.ارقام مذکور در مقایسه‏ با مدت مشابه سال 1993 نشان می‏دهد که از نظر"متراژ" صادرات فرش دستباف ایران به آلمان 37 درصد افزایش‏ یافته است،لیکن از نظر ارزش کل،18 درصد افزایش‏ نشان می‏دهد.در حقیقت،آنچه تأمل‏انگیز است همین‏ موضوع است.در بادی امر ممکن است این نکته متبادر به‏ ذهن شود که این ارقام صعودی چه جای تأمل دارد؟باید خوشحال باشیم که فرش،از نظر سطح(یا متراژ)و از نظر ارزش،در بزرگترین بازار خود،افزایشی چنین چشمگیر نشان می‏دهد.اما بازرگانان فرش و صاحبنظان اقتصادی‏ از این آمار زنگ خطری می‏شنوند.زیرا که افزایش 37 درصدی سطح فرش صادره،اگر قیمتها از یک سال به سال‏ دیگر(و در این مورد خاص 9 ماه اول سال 1994 نسبت به‏ 9 ماه اول سال 1993)ثابت فرض شود،باید با افزایش 37 درصد در قیمت فرش صادره به این بازار بزرگ همراه‏ باشد.ارقام فوق نشان می‏دهد که قیمت هر متر مربع فرش‏ صادراتی ایران به آلمان به طور متوسط 19 درصد کاهش‏ یافته است.چرا؟آیا ما فرش نامرغوبتر صادر کرده‏ایم؟آیا رقابتهای شکننده داشته‏ایم؟آیا بالا بودن قیمت ارز در ایران سبب تشویق صادرکنندگان به ارزان‏فروشی فرش‏ شده است؟برای آنکه به موضوع نزدیکتر شده باشیم کافی‏ است اشاره کنیم طی 9 ماه اول سال گذشته هر متر مربع‏ فرش وارداتی آلمان از ایران(به طور متوسط)192 مارک‏ قیمت داشته است در حالی که هر متر مربع فرش صادره از کشورهای شوروی سابق به طور متوسط 217 مارک‏ و هر متر مربع فرش صادره از ترکیه به آلمان 265 دلار قیمت داشته است!(توجه داشته باشیم ارقام صادرات، مربوط به زمانی است که صادرکنندگان تعهد بازگرداندن‏ ارز صادراتی نداشته‏اند.)

در اینجا طبعا این سئوال پیش می‏آید که آیا فرش‏ دستباف ایران از فرش کشورهای تشکیل دهندهء شوروی‏ سابق و فرش ترکیه نامرغوبتر است؟و آیا باید چنین باشد؟

ما اگر تلاش می‏کنیم که حجم صادراتمان به این یا آن‏ بازار افزایش یابد هرگز نباید به آن معنا باشد که ارزش‏ افزودهء کمتری بدست آوریم.حتی اگر ارزش کل صادرات‏ یک کالا افزایش قابل توجهی در یک سال نسبت به سال‏ قبل نشان دهد،لیکن این افزایش متناسب با افزایش‏ حجم یا در مورد فرش متراژ نباشد نباید راضی باشیم،مگر آنکه نسبت افزایش قیمت بالاتر یا حداقل مساوی‏ با افزایش حجمی باشد و به این ترتیب هر واحد کالای‏ صادراتی باید به قیمتی بیشتر یا لااقل مساوی سال قبل، با احتساب نرخ تورم در کشور خریدار،به فروش برسد.

در نظر داشته باشیم که اخیرا سازمان تجارت جهانی که‏ جانشین گات شده است فرش دستباف را در ردیف‏ کالاهای تجملی محسوب داشته و کمترین بخشودگی از حقوق و عوارض گمرکی را(فقط 15 درصد)برای آن‏ در نظر گرفته است.باید به این واقعیت توجه داشته باشیم‏ که با تنزل کیفیت فرش اگر یک یا چند سال هم قادر به‏ فروش ارزانتر و کسب درآمد بیشتر شویم،در میان‏مدت‏ و بلندمدت بازار را به کلی از دست خواهیم داد.فرش‏ دستباف ایران یک کالای ضروری مصرفی نیست که به‏ هرصورت مردم ناچار به خرید آن باشند.یک کالای لوکس‏ و یک نوع سرمایه‏گذاری است که اگر شرائط هنری و مواد متشکلهء آن کاملا براساس سنتها و ارزشهای پذیرفته شده‏ باشد،مشتری خواهد داشت و در غیر این صورت،خیلی زود شهرت تاریخی آن از بین خواهد رفت و خریدار در زمینه‏ دیگری سرمایه‏گذاری می‏کند.

اگر در بازارهای بین المللی رقابتهای شکننده با خودمان‏ داشته باشیم بازار را به نفع کشورهای رقیب از دست خواهیم‏ داد.اتحادیه‏های صادراتی و سازمانهای مسئول صادرات‏ باید در زمینه سیاست منطقی و اصولی محکمی را به‏ مرحلهء اجرا بگذارند و مانع این‏گونه رقابتهای بین‏ صادرکنندگان کشور شوند.تثبیت نرخ ارز و الزام‏ صادرکنندگان به فروش ارز حاصله به سیستم بانکی و نیز الزام قانونی الصاق برچسب شناسنامه فرش روی هر قطعه‏ فرش ایران-به رغم جنجالهائی که در هر دو مورد به راه‏ افتاده-باید بتوانی در فرصتی معقول وضع بازار فرش‏ را در خارج تثبیت کند.زیرا وقتی صادرکننده فرش ملزم شود ارز صادراتی خود را به سیستم بانکی بفروشد و از ورود به‏ بازار آزاد ارز منع شود،دیگر نخواهد توانست فرش خود را به‏ هر قیمتی در بازارهای جهانی عرضه و اختلاف قیمت آن را از طریق فروش آزاد ارز به قیمت بالاتر آزاد تأمین‏ کند.البته برای اینکه به هدف برسیم باید در قیمت‏گذاری‏ فرش نیز دقت کنیم که واقعی باشد و رعایت اعتدال بشود زیرا حساسیت بازار فرش در برابر قیمتها بسیار زیاد است‏ و رقیب نیز از هر سو در کمین است تا بازار را از کف ما برباید.اگر فی المثل نشریات هند،رقیب بلا فصل ما،دربارهء بی‏رقیب‏ بودن فرش ایران قلمفرسائی می‏کنند،هدفشان مشهور ساختن فرش ایران نیست،بلکه به بافندگان هندی‏ هشدار می‏دهند که در بهبود کیفیت تولید خویش بکوشند.

سخن از فرش دستباف هند به میان آمد.خوب است‏ خاطرنشان سازیم که براساس آمار اشاره شده در بالا،هند در 9 ماه اول سال مسیحی گذشته 3106086 متر مربع‏ فرش دستباف به ارزش 226776000 مارک به آلمان صادر کرده بود.به این ترتیب از نظر متراژ نخستین‏ صادرکننده فرش دستباف به آلمان بوده است.رقم فوق‏ برابر 33 درصد کل متراژ فرش دستباف وارداتی آلمان‏ را تشکیل می‏دهد.با این همه متراژ مذکور 9 درصد کمتر از مساحت فرشی است که در مدت مشابه سال 93 از هند به‏ آلمان صادر شده بود.از نظر ارزش صادرات فرش هند به‏ آلمان رتبه دوم را-بعد از ایران-داشته است و 1/20 درصد از ارزش فرش دستباف وارداتی به آلمان در 9 ماه‏ مورد گزارش به هند تعلق داشته است.ای رقم 13 درصد نسبت به مدت مشابه سال 1993 کاهش نشان می‏دهد. فرش هند به طور متوسط متر مربعی 73 مارک قیمت داشته‏ یعنی 6/2 برابر کمتر از قیمت متوسط فرش ایارن و 6/3 برابر از فرش ترکیه وارد بازار آلمان شده است.تنزل‏ صادرات فرش هند به آلمان به رغم ارزانی آن گواه دیگری‏ است بر آنکه خریدار فرش دستباف در این بازار-و عملا در همهء جهان-به کیفیت اهمیت بسیار می‏دهد.بنابراین‏ صادرکنندهء ایرانی باید فرش اصیل مورد پسند وارد بازارهای جهانی سازد.توجه داشته باشید که فرشهای‏ ریزه‏گر یا باصطلاح با رج بالا و رنگهای آرایشی و بزک کرده، الزاما فرشهی مورد پسند بازار آشنا به خصوصیات اصیل‏ فرش نیست.این‏گونه فرشها در داخل کشور و در میان مردم‏ کشورهائی که قبل از خرید یک قطعه فرش احتمالا چند کتاب قابل استناد دربارهء فرشهای شرقی و خصوصیات آنها مطالعه می‏کنند.

بنابراین وقتی می‏گوئیم فرش اصیل منظور فرش لوکس‏ و الزاما ریزبافت نیست،بلکه خلاقیت هنری و بکار رفتن‏ ماهرانه و استادانه مواد مرغوب بیشتر اهمیت دارد.

در مورد ترکیه باید گفت این کشور در مدت مورد بحث‏ تنها 2/1 درصد متراژ از فرش وارداتی آلمان و 3 درصد ارزش‏ آنرا در دست داشته است که به ترتیب 18 درصد و 33 درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن کاهش نشان‏ می‏دهد.اما از نظر قیمت هر متر مربع،ترکیه در صدر همهء کشورها قرار داشته است.

نپال اخیرا به عنوان رقیب گبه قالیهای صادراتی فارس‏ در بازار آلمان خودی نشان داده است.این کشور توانسته‏ است طی 9 ماه اول سال گذشته مسیحی برابر 648،273،2 متر مربع فرش دستباف به آلمان صادر کند که این رقم‏ برابر 24 درصد متراژ فرش دستباف وارده به آلمان در مدت‏ مذکور و 7/0 درصد بالاتر از متراژ کل فرش وارداتی آلمان‏ از ایران بوده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن‏ 8 درصد افزایش نشان می‏دهد.از طریق صدور این مقدار فرش نپال توانسته است 000،574،201 دلار به دست آورد که این رقم برابر 19 درصد کل ارزش فرش وارداتی آلمان‏ می‏باشد،معهذا 8 درصد نسبت به رقم مشابه سال قبل‏ از آن(9 ماه اول سال 93)کاهش نشان می‏دهد.فرش نپال‏ در آلمان به طور متوسط هر متر مربع 89 مارک قیمت داشته‏ است.(بدیهی است کلیه قیمتهائی که در این گزارش آورده‏ شده قیمتهای ارزش‏گذاری گمرک است و با قیمت فروش‏ در بازار آلمان یا قیمت مصرف‏کنندهء نهائی تفاوت دارد) مقایسه درصد افزایش متراژ و درصد افزایش قیمت فرش‏ نپال(8 درصد در برابر 19 درصد)نشان می‏دهد که نپال‏ در بهبود کیفیت یا نوآوری طرحهای خود کوشیده و توانسته‏ است فرش خود را به قیمت بهتری به بازار آلمان عرضه‏ کند.نپال اینک بعد از هند از نظر متراژ فرش وارداتی به‏ آلمان مقام دوم را دارد.با بهبود کیفیت و توسعهء فروش‏ با قیمتهائی به مراتب بالاتر،از یک سال نسبت به سال‏ بعد،باید گفت این کشور در ردیف رقبای جدی آیندهء فرش‏ ایران در بازار آلمان درآمده است.

بعد از ترکیه و ایران بالاترین قیمت واحد متر مربع،مربوط به چین بوده است.این کشور با صدور 203،612 متر مربع‏ فرش دستباف به آلمان در مدت گزارش توانسته است‏ مبلغ 500،232،7 مارک ارز تحصیل کند.یعنی به طور متوسط برای هر متر مربع 118 مارک فرش صادراتی چین‏ به آلمان از نظر متراژ در 9 ماه اول سال 94 نسبت به دورهء مشابه سال ماقبل آن 2 درصد افزایش داشته ولی از نظر ارزش با 11 درصد کاهش همراه بوده است.و این امر نشان‏ می‏دهد که چین،کشوری که اینک شدیدا به تقلید نقشه‏ها و طرز بافت فرشهای ایران پرداخته،با همین شدت نیز به‏ رقابت با فرش ایران برخاسته است.

کشور چین توانسته است با تقلید بسیار ماهرانه از فرش‏ دستبافت ایران،بازار مسلم ما را در آلمان تهدید کند.البته‏ کلیهء فرشهای صادراتی چین به آلمان فرش تقلیدی از نقشه‏ها و سبکهای ایرانی نبوده،زیرا فرشهای درشت‏باف و الیاف‏بلند و گل برجستهء چین هنوز در دنیا طالبان بسیار دارد. چینی‏ها اگرچه فرشهای سنتی خود را گره می‏زنند،لیکن‏ تمرکز سیاستگذاری،برنامه‏ریزی اقتصادی،توزیع مواد اولیه و نقشه‏های استاندارد شده بین کارگاههای قالیبافی‏ سراسر آن کشور و سپردن بسیاری از کارهای قالیبافی به‏ ابزار ماشینی،سبب شده است که این کشور حقیقتا در زمینه‏ رقابت قیمتها و تحصیل ارزش افزوده بیشتر،از رقبای‏ خود پیشی گیرد.برای مثال،در حالی که بافندگان ظریف‏ دست ایران،گاه فرشهای خود را رج به رج و گره به گره‏ با دست و با دقتی وصف‏ناپذیر و وسواس‏گونه قیچی‏ می‏کنند و با کف دست آنها را نوازش می‏دهند و صاف‏ می‏کنند تا گره بعدی بر بستر خویش بیآرمد،چینی‏ها سراسر قالی بافته شده را به یکبار به دست قیچی‏های‏ برقی(نظیر قیچی‏ها یا ماشینهای برقی سلمانیها) می‏سپارند و در کمترین زمان قابل تصور آنها را صاف نموده‏ و سپس با همان سرعت اطراف گلها را خالی کرده و به‏ صورت برجسته درمی‏آورند.گاه تعقیب حرکت دست آنها برای بیننده دشوار می‏شود.

پاکستان و افغانستان وضع خاص خود را دارند و سهم آنها در بازار فرش شدیدا کاهش نشان می‏دهند.با اینکه‏ اخیرا پاکستان تلاش بسیاری برای تقلید بهتر از نقشه‏های فرش ایران نشان داده،در این زمینه توفیق‏ زیادی بدست نیاورده،زیرا مواد اولیه بکار گرفته شده‏ در فرش پاکستان مرغوب نیست و اغلب از مواد مصنوعی‏ است.به علاوه،طرحها عمدتا تقلیدی و از این جهت با خصوصیات محلی که در آنجا بافته می‏شود بیگانه است‏ و نوآوریهائی که گاه در این طرحها شده عملا کیفیت طرح‏ را از تقلید صرف نیز بدتر ساخته است.تنها در زمینه گلیم، پاره‏ای نوآوریهای قابل قبول در کار فرش پاکستان دیده‏ می‏شود که گاه بعنوان آویزهء دیواری نیز جلب نظر می‏کند.

افغانستان بعلت درگیریهای شدید داخلی،بازار فرش‏ خود را در آلمان در شرف سقوط کامل قرار داده است.ظرف 9 ماه مورد بحث نسبت به مدت مشابه سال قبل،متراژ فرش‏ صادراتی افغانستان به آلمان 30 درصد و ارزش کل این‏ صادرات 35 درصد کاهش نشان می‏دهد.فرش افغانستان‏ بعد از فرش مراکش ارزانترین فرش وارده به آلمان بوده‏ و هر متر مربع آن در دورهء مورد بحث به طور متوسط 62 مارک‏ قیمت داشته است.فرش مراکش در آلمان هر متر مربع،58 مارک قیمت‏گذاری شده بود.علاوه بر کشورهای‏ مذکور،سایر کشورها 2 درصد فرش دستباف وارداتی آلمان‏ از نظر مساحت و 3 درصد از نظر قیمت در اختیار داشته‏اند که‏ متوسط قیمت هر متر مربع فرش این کشورها 169 مارک‏ بوده است.

مطالعات بازارشناسی فرش دستباف در آلمان-که‏ بزرگترین بازار اروپا در نوع خود محسوب می‏شود-ما را قانع‏ می‏سازد که در مورد صادرات این کالا آینده‏نگر باشیم‏ و حریفان و رقبائی را که خود را آماده می‏کنند تا بازار را از کف‏ ما بربایند شناسائی کنیم و با توجه به تبلیغات و شگردهای‏ آنها و ذوق و سلیقهء و رجحان خریداران،خود را با بازار و نیازهای‏ آن هماهنگ کنیم و در عین حال مشکلات را از پیش پای‏ تولیدکننده و صادرکننده برداریم و محصولات صادراتی‏ خود را قابل رقابت با محصولات سایر کشورها سازیم.